

از بحران پناهجویان تا تمایلات گریز از مرکز انگلیس

## لرزش اتحادیه اروپا روی گسل‌های شکاف



نیکولا سارکوزی، فرانکو فیلیپو، و دمیتری مدویدف.

■ **اقدامات واگرا یانه**

در مرزهای خارجی اتحادیه اروپا وارد می‌شود را کم کند. بر این اساس کشورهای که در این طرح مشارکت نمی‌کنند باید جریمه‌ای به مبلغ ۲۵۰ هزار یورو به ازای هر پناهجویی که نمی‌پذیرند به کشوری که آن پناهنچورا می‌پذیرد پرداخت کنند. این در حالی است که بسیاری از کشورهای شرق اروپا به این تصمیم کمیسیون انتقاد وارد کرده و با آن مخالفت کرده‌اند. بدین ترتیب طرح جدید کمیسیون اروپا خود به‌مثابه عاملی برای ایجاد شکاف بیشتر بین کشورهای اتحادیه اروپا عمل خواهد کرد. در عین حال اقدامات تکرانه بر برخی کشورها به ویژه اتریش برای ایجاد موانع در مرزها و اعمال محدودیت فیزیکی به‌منظور جلوگیری از ورود پناهجویان، موجب نارضایتی و خشم برخی از کشورهای اتحادیه اروپا به ویژه ایتالیا شده که به عنوان یک کشور واقع در مرز خارجی اتحادیه اروپا به‌طور مستمر گرفتار مسئله ورود انبوهی از پناهجویان است که با رسیدن فصل گرما بر شمار آنها بسیار افزوده خواهد شد. اقدام اتریش برای اعمال محدودیت و بستن گذرگاه مرزی «برنر» در مرز مشترک اتریش و ایتالیا، هر چند که ظاهراً منجر به جلوگیری از ورود پناهجویان از ایتالیا به اتریش خواهد شد، با این حال تأثیر بسیار منفی بر روند تعاملات تجاری و اقتصادی ایتالیا و اتریش خواهد گذاشت. ضمن اینکه اقدام اتریش اساساً به مثابه زیر پا گذاشتن اصول اتحادیه اروپا و اتخاذ اقدامی است که مورد تصویب کمیسیون اروپا یا شورای اروپا نیز قرار نگرفته است. بدین ترتیب عجیب نمی‌نماید که انگلا مرکل صدر اعظم آلمان نیز به عنوان مهم‌ترین کشور اتحادیه اروپا که در عین حال تاکنون بیشترین شمار پناهجویان را نیز پذیرفته است، به مخالفت با تصمیم اتریش بر خزید و از آن انتقاد کند. با این حال شواهد حاکی از آن است که با تشدید بحران پناهجویان باید انتظار داشت تا برخی کشورهای اتحادیه اروپا به ویژه کشورهای شرقی آن، به‌ندبال اجرای اقداماتی بروند تا بتوانند به نحو فردی با ورود پناهجویان مقابله کنند. مسئله‌ای که صرفاً باعث افزایش اختلافات در داخل این نهاد اروپایی خواهد شد.

## رژه غرب پشت مرزهای روسیه

بهره‌برداری سامانه در رومانی مدعی شده که راه‌اندازی این سامانه برای مقابله با موشک‌های ایران است اما در برابر، مسکو معتقد است که بعد از توافق هسته‌ای با ایران دیگر چنین بهانه‌ای قابل قبول نیست. در واقع، مسکو هیچ‌گاه قبول نکرده که ناتو در جهت رابطه‌ای سالم‌ت‌آمیز حرکت کرده باشد و راه‌اندازی سپری را در مجموعه‌ای از تحرکات ضدروسی ناتو از زیایی می‌کند. این نگرش روسیه دست‌کم با توجه به تحرکات یک سال اخیر ناتو قابل توجه است که بیش از گذشته سعی در انجام برنامه‌های نظامی علیه روسیه داشته است. رزمایش مشترک گرجستان با نیروهای نظامی آمریکا و بریتانیا در قالب برنامه نظامی‌ی ناتو یکی از نمونه‌های آشکار این موضوع است که در حال حاضر برگزار می‌شود. اعزام تانک‌های پیشرفته M۱A۲ آمریکایی



سربازان روس در یک رژه نظامی در نزدیکی مرز روسیه با اوکراین.

### سلفی‌های آسیای مرز کمی مترصد طغیان

مسئله بنیادگرایی در آسیای مرکزی طی ۲۵ سال گذشته از استقلال کشورهای منطقه، مسیر تکاملی و روبه رشدی را گذرانده است. منظور از مسیر تکاملی این است که اکنون مهم‌ترین گروه‌های افراطی برگرفته از مناطق پساشوروی، با توان محدود و محلی در دهه ۹۰ میلادی، به سازمان‌هایی پیچیده و چندبعدی و با توان عملیاتی بالا تبدیل شده‌اند.

این گروه‌ها، با تطبیق‌پذیری و استفاده از ظرفیت ارتباط‌گیری گسترده با سایر گروه‌های افراطی، توانسته‌اند به گروه‌هایی بالقوه خطرناک برای صلح و امنیت منطقه تبدیل شوند. در جمله مهم‌ترین این‌ گروه‌ها، که بالاترین سطح نقش‌آفرینی را در تشکیل این شبه‌دولت نیز ایفا خواهند کرد، جنبش اسلامی ازبکستان و اتحادیه جهاد اسلامی ازبکستان است. این گروه با وجود فراز و نشیب‌ها در طول مدت فعالیت خود، اکنون با قدرت‌گیری نسبی طالبان در مرزهای شمالی، رفته رفته قدرت هم‌وزن با دوران پیش از سقوط طالبان را احیایمی‌کند اعضای تشکیل‌دهنده این گروه‌ها علاوه بر ازبک‌ها، تاجیک‌ها و ترکمن‌ها که خاستگاهی از آسیای مرکزی دارند؛ از ملیت‌های گوناگون مثل افغانستان، پاکستان و ایغورها از چین و ترک‌ها نیز هستند. برآورد تعداد نیروهای جنبش اسلامی ازبکستان بین ۲ هزار تا ۲۵۰۰ نفر و در اتحادیه جهاد اسلامی این رقم بین ۱۰ تا ۵۰۰ نفر تخمین زده می‌شود. جنبش اسلامی ازبکستان تقریباً گروهی شناخته‌شده‌تر بوده، اما در حقیقت اتحادیه جهاد اسلامی در بستر حوادث پس از سقوط طالبان و استقرار در وزیرستان و در بستر حوادث پس از آن در اختلاف در نوع راهبردی و حالت، اکثریت انگلیسی‌ها در همه پرس‌ی ۲۳ ژوئن ۲۰۱۶ به خروج کشورشان از اتحادیه اروپا رأی می‌دهند، در فرانسه نیز «لمارین لوین» رئیس حزب راست‌گرای جبهه ملی می‌تواند درباره بر گزارای یک همه‌پرسی خروج در صورت انتخابین به عنوان رئیس‌جمهور سخن بگوید. اتریش هم شاید راه مشابهی را طی کند، این نگرانی در مورد آلمان به‌خاطر مواضع حزب افراط‌گرای «جایگزینی برای آلمان» نیز وجود دارد. وی هشدار داد که نباید عرصه به پوپولیست‌ها و ملی‌گراها واگذار شود. اوتینگر افزود: ملی‌گرایی و پوپولیسم تنها یک خطر برای اتحادیه اروپا نیست، این خطر در روسیه، سئوئیس و امریکا نیز وجود دارد. اوتینگر در عین حال تصریح کرد که اتحادیه اروپا ضامن صلح، ارزش‌ها، دموکراسی و یک جامعه مبتنی بر از مشترک و بازار واحد است، اما از پروژه اروپای واحد اکنون کمتر حمایت می‌شود.

■ **دیگر خطوط شکاف**
البته خطوط شکاف در داخل اتحادیه اروپا محدود به اختلاف بر سر پناهجویان و یا گرایش‌های واگرایانه انگلیس از اتحادیه اروپا نیست، بلکه وجود دیدگاه‌های متفاوت درباره سیاست‌های مالی و اقتصادی و بحران بیکاری در کشورهای عضو این اتحادیه و نیز وواج پوپولیسم در برخی کشورهای این اتحادیه نیز باعث بروز اختلاف بین اعضای اتحادیه اروپا شده است. در عین حال شاهد افزایش نگاه منفی اروپایی‌ها به اتحادیه اروپا به‌دلیل عملکرد نه‌چندان مناسب آن در قبال بحران‌هایی مانند بحران مالی و اقتصادی کشورهای عضو و نیز بحران پناهجویان هستیم. در واقع این مسائل باعث ناسردی مردم کشورهای عضو اتحادیه اروپا شده است، به نحوی که طبق نظرسنجی اخیر حدود نیمی از مردم این کشورها خواهان برگزاری همه‌پرسی درباره ادامه عضویت کشور خود در اتحادیه اروپا هستند.

■ **رویکرد احمد کاظم‌زاده**

در حالی‌که عربستان خود را درگیر بسیاری از بحران‌ها و جنگ‌های منطقه‌ای کرده و در کنار رژیم صهیونیستی یکی از بازیگران آشوب‌سازین بحران‌ها محسوب می‌شود، به تاریگی از ایجاد اصلاحات در برخی از حوزه‌های داخلی خبر داده است. ریاض اهداف بلندپروازانه‌ای تعیین کرده که برای تحقق آنها بین ۱۰ تا ۱۵ سال زمان



پیش‌بینی شده است. به نظر می‌رسد بین این اهداف بلندپروازانه و برطمطراق و کاهش بهای نفت ارتباط مستقیم وجود دارد و عربستان برای اینکه نشان دهد عواقب کاهش بهای نفت برای این کشور را نخواهد گرفت و به سلامت از بحران‌های ناشی از کاهش نفت عبور خواهد کرد به‌ارائه چنین طرحی بلندپروازانه دست زده‌است. افکار عمومی داخلی و بخصوص نخبان در این زمینه به آینده امیدوار و دلگرم سازد. البته پیش از این هم مسئولان سعودی در قبال دخل و خرج‌های بی‌حد و حصر خود پاسخگو نبودند و دستم نیسی از درآمدهای نفتی این کشور بین شاهزادگان تقسیم‌می‌شد. بر این اساس می‌توان گفت آنچه از آن به‌طرح اصلاحات و تغییرات تعبیر می‌شود بیشتر باهدف آرام کردن شاهزادگان صورت می‌گیرد چراکه در این تغییرات هیچ نقش و جایگاهی برای اصلاحات سیاسی و بازتوزیع قدرت صورت نگرفته است و در ورای همه تلاش‌ها این حقیقت نهنفته است که محمد بن سلمان که در مقام ولیعهدی قرار دارد و شخص سوم در سلسله مراتب قدرت قرار دارد بتواند محمد بن نایف (ولیعهد و شخص دوم) را دور بزند و خود را به کاخ سلطنت نزدیک سازد. به‌همین علت است که همه طرح‌های بااصطلاح توسعه عربستان تا سال ۲۰۳۰ یا تغییرات صورت می‌گیرد، به‌نام محمد بن سلمان ارائه می‌شودو این نشان می‌دهد که نسل جدید قدرت در عربستان نیز همانند نسل قدیم همه چیز را برای خود می‌خواهد و از مردم به‌عنوان پوشش و ابزار استفاده می‌کند. همچنین در حالی که نسل قدیم، خود را به سنت‌ها پایبند نشان می‌داد و سلسله مراتب قدرت را به روال سنن رعایت